

دکتر شهریار نقوی

میرزا اسدالله خان غالب دهلوی

غالب در شب هشتم رجب ۱۲۱۲ هـ (مطابق با ۲۷ دسامبر ۱۷۹ میلادی) در شهر آگرا چشم بجهان گشود، پدرش عبدالله بیگ خان بود و در ارتش راجه والور، بخدمت اشتغال داشت.

غالب در سنین پنج‌سالگی پدر را از دست بداد و تحت سرپرستی عم خود نصراله بیگ خان درآمد و پس از سه سال عم او نیز بدارفانی شتافت و غالب با خانواده مادری خود در آگرا بزندگی پرداخت و کار تحصیل خود را شروع کرد.

در اوان کودکی به‌تعلیم زبان فارسی از شخصی بنام ملا عبدالله الصمد که ایرانی نژاد بود پرداخت و چندی نگذشت که بکار شعر دست یازید. در ابتدا تخلصش اسد بود و بعد تخلص غالب را برای خود برگزید.

غالب در سیزده سالگی با امراء بیگم که دختر یکی از حکام لهاور بود ازدواج کرد و دو سال بعد یعنی در سال ۱۸۱۲ از آگرا به دهلوی آمد و تا آخر عمر در آندیار بود، فرزندان غالب که هفت تن بودند همه در کودکی مردند و اجاق او کور و خانه‌اش بی نور ماند.

غالب در دهلوی بکار شعر و شاعری پرداخت و به‌دربار بهادر شاه ظفر آخرین تاجدار سلطنت اسلامی دهلوی راه یافت و استاد شعر بهادر شاه شد. و به کسب

لقب نجر الدواعی در سال ۱۸۱۲ هـ در آگرا بکار شعر پرداخت و در آگرا بکار شعر پرداخت

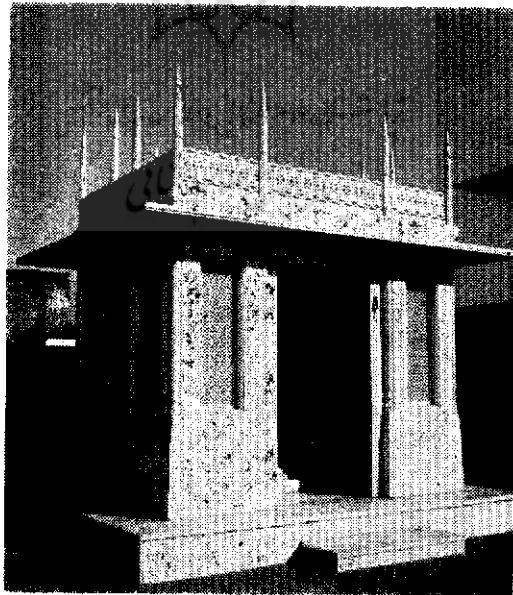


تصویر غالب

وی خواست تاریخ خانواده بابریان را بنویسد و در مقابل این خدمت پنجاه روپیه ماهیانه از طرف شاه مزبور به غالب پرداخت میگردید ولی پس از سال ۱۸۵۷ م که بهادرشاه ظفر به رنگون تبعید شد و سلطنت مسلمانان در دهلی پایان رسید این وسیله در آمدش از بین رفت. او سالیانه وجوه مختصری (۷۵۰ روپیه) پس از مرگ عمش که در حین خدمت بانگلیسی ها در گذشته بود از طرف انگلیسی ها دریافت میکرد ولی پس از شورش استقلال طلبی هندیان بسال ۱۸۵۷ م این مستمری قطع شد و غالب برای بازگرفتن آن به کلکته مسافرت نمود و مدتی در آنجا اقامت گزید. در ضمن مسافرت بشهر مزبور به لکنهو و بنارس نیز رفت و در مدح نصیرالدین حیدر شاه لکنهو و شهر بنارس قصیده و مثنوی نوشت. مسافرت او به رام پور که دوبار صورت گرفت

در شعر گوئی بزبان اردو شاگرد غالب بود هزار و دوست روپیه سالیانه بر او مقرر داشت و این رقم تا آخر زندگی ببالغ میرسید .
 غالب با تحمل رنجهای فراوان در زندگی که غالباً زائیده محیط نامساعد سیاسی زمان هندوستان بود بتاريخ پانزدهم فوریه سال ۱۸۶۹ میلادی برابر با ۱۲۸۵ هجری درگذشت و در جوار آرامگاه شاعر شهیر امیر خسرو دهلوی در دهلوی پرده خاک برخ کشید .

اسدالله خان غالب از خانواده‌های محترم ترکمانها بود که در اواسط قرن هیجدهم میلادی از وسط آسیا بهند مهاجرت کرد پدر بزرگ او در جستجوی زندگی بهتری از سمرقند رهسپار هندوستان شد و نزد اسنادار وقت لاهور بنام معین الملک مشغول خدمتی گردید . پس از مدتی بدهلی رفت و در آنجا در خدمت شاه عالم دوم شاه آن مملکت درآمد و سپس به شهر آگرا انتقال یافته و در آنجا سکونت گزید . عبدالله بیگ خان پسر بزرگش با دختر یکی از صاحب منصبان ارتش ازدواج کرد و اسدالله خان نخستین نمره آن بود . غالب در معرفی گذشتگانش چنین میگوید :



آرامگاه غالب

غالب از خاک پاک تورانیم
 ترک زادیم و در نژادهمی
 ایبکم از جماعت اترک
 فن آبی ما کشاورزیست

لاجرم در نسب فره مندیم
 به سترگان قوم پیوندیم
 در تمامی زماه ده چندیم
 مرزبان زاده سمرقندیم

جای دیگر خطاب به ساقی میگوید :

ساقی چو من پشنگی و افراسیابی ام

دانی که اصل گوهرم ازدوده جم است

میراث جم که می بود اینک بمن سپار

زین پس رسد بهشت که میراث آدم است

غالب از حیث علوم مقامیکه در ادبیات اردو دارد در شبه قاره هند و پاکستان «شهنشاه سخن» نامیده میشود و یبارد فقط در حدود هزار و دوست (۱۲۰۰) شعر گفته و بر اساس همین سرمایه کوچک و بضاعت قلیل باوج شهرت رسیده و سرآمد سخنوران آن سرزمین گشته است .

گفته میشود در هندوستان دو کتاب الهامی وجود دارد ، یکی «رک ویداه» و دیگری «دیوان غالب» . کتب متعددی پیرامون شخصیت و آثار غالب و تراجم و تفسیر آن بزبانهای مختلف نوشته شده و چندین بار دیوان مصور اشعار اردوی او بنام «مرقع چغتائی» بزبور طبع آراسته گردیده و مورد استفاده علاقمندان قرار گرفته است . از زندگی غالب فیلمها نیز تهیه شده و شرکت های متعدد صفحه پرکنی به غزلیات اردوی آن شاعر که تقریباً مقامی نظیر حافظ شیرازی را در جهان اردو داراست روی آورده و تعداد بسیار زیادی از صفحات را از آثاری مزین ساخته اند . خواندن اشعار اردوی غالب برای آواز خوانان بنام هندوپاکستان بزرگترین افتخار و وسیله گسترش محبوبیت محسوب میشود و ناطقین طراز اول اردو زبان جهت ازدیاد تأثیر کلام از اشعار همین گوینده عالی مقام استمداد میجویند .

تعدادی زیاد از شعرای معاصر زبان اردو و سایر زبانهای شبه قاره از اشعار غالب الهام گرفته اند و آثار این شاعر گرانمایه فارسی وارد فصل مهمی در ادبیات این زبانها گشوده است . غالب بکر از درخشان ترین ستارگان در

آسمان شعر فارسی بسبب هندی مییاشد و میتوان ادعا کرد اوپلی بود که دوره قدیم و جدید را بهم مربوط ساخته و از گلستان آثارش بوی گلهای ادبیات کهن و نوبنحو سحرانگیزی بمشام میرسد .

افکار بلند و احساسات عالی این شاعر که در زمانی زندگی میکرد که روش نوین جای روش قدیم را میگرفت بطرز بسیار جالب و همه پسندی بقالب شعر ریخته شده است .

نام غالب در سراسر شبه قاره هند و پاکستان زبانزد خاص و عام و ابیات نغزش تکیه کلام هر فاضل و داناست و بهمین علت در تمام دانشگاههای بزرگ آن دو کشور غالبیات (غالب شناسی) یکی از قسمت های مهم دروس ادبیات را تشکیل میدهد و سمینارها و آکادمی ها بمنظور انجام مطالعات در زمینه غالب شناسی دایراست . ابیات و اشعار اردوی غالب عنوان ضرب المثلهای را در آن زبان بدست آورده و گفته های وی در اعماق قلوب اردو زبانان جای گرفته است . مطالعه آثار غالب از حیث زبان شناسی فارسی نیز اهمیت بسزائی دارد زیرا که معانی اصیل و قدیم تعدادی از کلمات فارسی در آن حفظ شده و ترکیبات شیوایی در اغلب جاها بچشم میخورد .

این همه مقام والای غالب در هند و پاکستان مدیون تعداد ناچیز اشعار اردوست ولی همین سراینده بزرگ دیوان بزرگی که ده برابر دیوان اردوی اوست بفارسی دارد و کتب متمادی به نثر فارسی از خود بجا گذاشته است بنا براین وی در واقع گوینده چیره دست و نویسنده بسیار توانای فارسیست و خود او نیز به کلام فارسی خویش می نازد و آثار فارسی اش را سرچشمه تمام افتخار و مایه سرافرازی و مباحثات خود میداند چنانکه گفته است :

فارسی بین تا ببینی نقش های رنگ رنگ

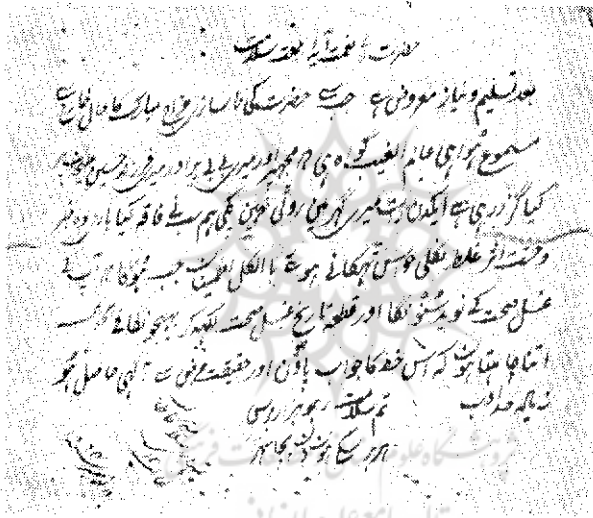
بگذر از مجموعه اردو که بی رنگ من است

فارسی بین تا بدانی کاندراقلیم خیال

مانی و ارژنگم و آن نسخه ارتنگ من است

اما در عین حال آثار ارجدار فارسی وی توجه ارباب علم و ادب معاصرش را بخود جلب نمود. بادر نظر گرفتن پایه بلند اشعار فارسی غالب میتوان گفت اگر چنانچه وی در زمان سلاطین مقتدر و ادب پروری مانند اکبر و جهانگیر و شاهجهان و محمد عادل شاه تولد می یافت از وی قدر دانایی

شایسته‌ای بعمل می‌آمد و او نیز مانند امیر خسرو و فیضی بساوج شهرت و کرامانی می‌رسید. تحولات غم انگیزی که زائیده انقلابات سیاسی در شبه قاره بشمار میرفت و غالب شاهد آن بود موجب گردید که آثار فارسی وی هدف بی‌اعتنائی مردم واقع شود اما علاوه بر آن بر اساس عوامل دیگری نیز که مختصراً در زیر درج میشود از طرف مردم نسبت به آثار فارسی او بی‌توجهی و سردمهری بعمل آمد :



نمونه خط غالب

۱ - در زمانیکه غالب میزیست روش شعری میرزا عبدالقادر بیدل ، ناصرعلی و امثال آنها که بیشتر مبتنی بر حفظ روایات کهن ادبی گویندگان سبک هندی و بکار بردن کلمات و استعارات مهجور و واج داشت . تکرار مضامین گفته شده و مطالب استادان گذشته در پیرایه نوین عبارات و واژه‌های هفتی و مسجع حاصل منظومه‌های شاعران معاصر غالب مانند اختر ، قنیل ، واقف و امثال آنها بود ولی روش غالب با همه آنان اختلافی داشت و بهمین علت او مورد اعتراضات و تمسخر سرایندگان زمان خود قرار گرفت و آنان با همکاری سایر مخالفین غالب نگذاشتند آثار فارسی وی بنحو شایسته‌ای معرفی شود .

۲- رسمی شدن زبان انگلیسی در هند و پاکستان لطمه شدیدی بروج و مقام ارجمند فارسی وارد آورد و در چنین اوضاع راهی برای زبان اردو جهت پیشرفت و جانمایی فارسی باز شد .

استادانی مانند میر تقی میر و میرزا رفیع سودا بدائره محبوبیت آن زبان توسعه دادند و حتی بهادر شاه ظفر که آخرین تاجدار سلسله بابریان بود بهمان زبان شعر میسرود و اغلب گویندگان در آن سرزمین بار دو گرویدند باین ترتیب زبان نوینی فارسی را تحت الشعاع قرار داد و بنا بر این آثار فارسی غالب که بهلل دیگر نیز توجه عموم مردم را جلب نموده بود ارزش حقیقی اش را در نیافت .

۳- انتقاد سخت غالب از فارسی هندی نژادان و سخنگویان معاصر که زیاد مایه ای نداشتند موجب آمد که عامل بزرگ و مهمی بر عوامل دیگر عدم محبوبیت وی افزوده شود .

شعرا معمولا به خود ستائی هم میپردازند و در مدح خویش ابیاتی چند میسرایند .

غالب نیز در این مورد اشعار کافی گفته و بی توجهی زمان را نسبت بآثارش بخيال خود باین ترتیب جبران نموده است .

او درباره دیوان فارسی خود میگوید :

گر ذوق سخن بدهر آئین بودی دیوان مرا شهرت پروین بودی

غالب اگر این فن سخن دین بودی این دین را ایزدی کتاب این بودی

اومعتقد است شعرش بالاخره روزی مورد توجه جهانیان قرار خواهد گرفت و میگوید :

کو کیم را در عدم اوج قبولی داده اند

شهرت شعرم به گیتی بعد من خواهد شدن

غالب خود را ایرانی میدانند و میگوید :

بود غالب عندلیبی از گلستان عجم

من ز غفلت طوطی هندوستان نامیدش

جای دیگر میگوید :

غالب زهند نیست نوائی که میکشم
 او در تمام عمر دل بستگی عمیقی بایران داشته و روحا در ایران زندگی
 میکرد و مخصوصا در حالت دل شکستگی آن کشور را برای خود پناهگاهی دانسته
 و آرزو داشت بایران برود و در اصفهان و شیراز زندگی کند چنانکه گفته است :

غالب از خاک کدورت خیز هندی دل گرفت

اصفهان هی ، یزدهی ، تبریزی ، شیرازی

گرفته خاطر غالب زهند و اعیانش

بر آن سراسر است که آواره عجم گردد

غالب از آب و هوای هند بسمل گشت نطق

خیز تا خود را به اصفهان و شیراز افکنیم

غالب از هندوستان بگریز فرصت مفت تست

در نجف مردن خوش است و در صفهان زیستن

آثار شعری فارسی غالب که شامل کلیات نظم فارسی، سبده چین و گل
 رعنا است و دارای ۶۴ قصیده ، ۳۲۴ غزل ، ۱۲ مثنوی ، ۶۷ قطعه ، ۱۰۶
 رباعی ، ۲ ترکیب بند و یک ترجیع بند میباشد نمونه بارز سبک هندی است و
 در آن بیشتر از سبک ظهوری ترشیزی ، نظیر فیثابوری ، صائب تبریزی ، عرفی
 شیرازی پیروی بعمل آمده است .

دیوان فارسی غالب مانند دیوان اردوی او چندین بار از طرف مؤسسات
 متعدد چاپ کتاب در هند و پاکستان انتشار یافته و مورد استفاده علاقمندان قرار
 گرفته است .

آثار مثنوی فارسی نیز که بسبب ابوالفضل ، طاهر وحید ، ظهوری
 ترشیزی ، جلالی طباطبایا میباشد چندین بار بوسیله سازمانهای مختلف انتشار
 کتاب در شبه قاره بچاپ رسیده و شامل است بر :

۱ - مهر نیمروز. در زمینه تاریخ .
 ۲ - دستنبو . در شرح وقایع جنگ آزادی مسلمانان در هندوستان که
 بسال ۱۸۵۷ میلادی اتفاق افتاد .

۳ - درفش کاویانی . در زمینه فرهنگ نویسی

۴ - پنج آهنگ محتوی مطالب درباره زبان و ادبیات فارسی .